

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



حاکمیت شرکتی

در ایران و جهان

درس : تصمیم گیری در مسائل مالی

استاد محترم: سرکار خانم دکتر خسروی پور

گردآورندگان

فیروزه معتمدی محب- بهزاد سلطان کریمی

✓ حاکمیت شرکتی - تعاریف و مفاهیم (پیشگفتار)

✓ اصول و ضرورت وجود حاکمیت شرکتی

✓ طبقه بندی سیستم های حاکمیت شرکتی (درون سازمانی و برون سازمانی)

✓ پاسخگویی

✓ تاریخچه حاکمیت شرکتی در برخی کشورها و مدل های آن در سراسر جهان

✓ احزاب و حاکمیت شرکتی

✓ کنترل و ساختارهای مالکیت

✓ مقایسه نهادها در شرکت های ایران با سایر کشورها

✓ تفکیک وظایف هیات مدیره و مشکلات سیستمی حاکمیت شرکتی

✓ نقش حسابرسی داخلی در شرکت های ایران

✓ نتیجه گیری

✓ منابع



پیشگفتار

حاکمیت شرکتی Corporate governance یکی از رایج ترین عبارات ها در واژگان تجارت جهانی در شروع هزاره جدید شده است. اولین و قدیمی ترین مفهوم عبارت **حاکمیت شرکتی** ، از واژه لاتین **Gubenare** به معنای هدایت کردن گرفته شده است ، که معمولاً در مورد هدایت کشتی به کار می رود و دلالت بر این دارد که اولین تعریف حاکمیت شرکتی بیشتر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل. تعریف های مختلفی از حاکمیت شرکتی وجود دارد ؛ از تعریف های **محدود و متمرکز** بر شرکت ها و سهامداران آنها گرفته تا تعریف های **جامع و در برگیرنده پاسخگویی** شرکتها در قبال گروه کثیری از سهامداران ، افراد یا ذینفعان.



تعریف های موجود از حاکمیت شرکتی از دو دیدگاه مورد بررسی قرار می گیرند.

دیدگاه های محدود و گسترده

در دیدگاه های محدود ، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می شود.

این الگویی قدیمی است که در قالب **نظریه نمایندگی** بیان می شود. از سوی دیگر حاکمیت شرکتی را می توان به صورت شبکه ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان ، مشتریان ، فروشندگان ، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب **نظریه ذینفعان** دیده می شود.



تعریف های محدود حاکمیت شرکتی

متمرکز بر قابلیت های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت است (مثلا IFAC 2004 و پارکینسون 1994). این تعریف ها اساسا برای مقایسه میان کشوری مناسبند و قوانین هر کشور نقش تعیین کننده ای در سیستم حاکمیت شرکتی دارد.

تعریف های گسترده تر حاکمیت شرکتی

بر سطح پاسخگویی وسیعتری نسبت به سهامداران و دیگر ذینفعان تاکید دارند. تعریف های تری گری (1984)، مگینسون (1994) و رابرت مانگز و نل مینو (1995) که به گروه بیشتری از ذینفعان تاکید دارند، از مقبولیت بیشتری نزد صاحب نظران برخوردارند. تعریف های گسترده تر نشان می دهند که شرکتها در برابر کل جامعه، نسلهای آینده و منابع طبیعی (محیط زیست) مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم حاکمیت شرکتی موانع و اهرمهای تعادل درون سازمانی و برون سازمانی برای شرکت هاست که تضمین می کند آنها مسئولیت خود را نسبت به تمام ذینفعان انجام می دهند و در تمام زمینه های فعالیت تجاری، به صورت مسئولانه عمل می کنند.



تعریف حاکمیت شرکتی از دید صاحب نظران

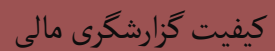
- **International Federation of Accountants** فدراسیون بین المللی حسابداران (IFAC) در سال 2004 حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده است: "حاکمیت شرکتی (حاکمیت واحد تجاری) عبارت است از تعدادی مسئولیت ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیئت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر استراتژیک که تضمین‌کننده دستیابی به هدفها، کنترل ریسک ها و مصرف مسئولانه منابع است."
- **Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)** سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و صندوق بین المللی پول (IMF) در سال 2001 حاکمیت شرکتی را چنین بیان کرده‌اند: "ساختار روابط و مسئولیتها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل برای ترویج بهتر عملکرد رقابتی لازم جهت دستیابی به هدفهای اولیه مشارکت."



تعریف جامع و کاملی که میتوان با توجه به مفاهیم و تعاریف ارائه شده عنوان کرد :

"حاکمیت شرکتی قوانین ، مقررات ، ساختارها ، فرایندها ، فرهنگ ها و سیستم هایی است که موجب دستیابی به هدف های پاسخگویی ، شفافیت ، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می شود " .





حاکمیت شرکتی یک مفهوم چند رشته‌ای (حوزه‌ای) است ، و هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به چهار مورد زیر در شرکت هاست :



✓ پاسخگویی

✓ شفافیت

✓ عدالت (انصاف)

✓ رعایت حقوق ذینفعان.



اصول حاکمیت شرکتی



❖ تأمین مبنایی برای چارچوب موثر حاکمیت شرکتی

❖ حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیتی

❖ رفتار یکسان با سهامداران

❖ نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی

❖ افشاء و شفافیت

❖ نقش ها و مسئولیت های هیأت مدیره



ضرورت حاکمیت شرکتی

به دنبال فروپاشی شرکت های بزرگی مانند انرون (Enron) و ورلدمکام (Worldcom) در امریکا در سالهای اخیر ، توجه همگان را به نقش برجسته حاکمیت شرکتی و توجه جدی به اصول مذکور در مورد پیشگیری از این فروپاشی ها جلب کرده است و انجمن های حرفه ای و دانشگاه ها در سراسر جهان اقبال گسترده ای به این موضوع نشان می دهند . در امریکا به عنوان یک واکنش سریع به این فروپاشی ها ، **لایحه ساربینز آگسلی در جولای 2002** - با هدف بازگرداندن اعتماد عمومی در اداره امور شرکت - تصویب گردید و در ژانویه 2003 گزارش های هیگس و اسمیت در بریتانیا در پاسخ به شکست های حاکمیت شرکتی ، صورت پذیرفت.



موضوع حاکمیت شرکتی در ایران نخستین بار در کنفرانس ملی «بازار سرمایه ، موتور محرک توسعه اقتصادی ایران» ، که توسط دانشگاه علامه طباطبائی در 7 و 8 آذرماه 1383 در مرکز همایش های رازی برگزار شد ،.

در دو سمینار «گزارشگری مالی و تحولات پیشرو» و «نظام حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی» به ترتیب در 8 و 9 دی ماه 1383 و 30 آبان و اول آذرماه 1384 در مرکز همایشهای رازی به همت انجمن حسابداران خبره ایران ارائه شد. در پی آن در اواخر سال 1383 مرکز تحقیقات و توسعه بازار سرمایه سازمان بورس اوراق بهادار دست به انتشار ویرایش اول آیین نامه حاکمیت شرکتی زد. این آیین نامه در **22 ماده و دو تبصره** تنظیم شده و شامل تعریفها ، وظایف هیئت مدیره ، سهامداران ، افشای اطلاعات و پاسخگویی و حسابرسی است. این آیین نامه با توجه به ساختار مالکیت و وضعیت بازار سرمایه و با نگرش به قانون تجارت حاضر تنظیم شده و با سیستم درون سازمانی (رابطه ای) حاکمیت شرکتی سازگار است. انتشار این آیین نامه یادآور تلاش ارزنده ای است که بررسی و تجدیدنظر در برخی از موارد آن ، می تواند در توسعه بازار سرمایه نقش موثری ایفا کند.



سیستم حاکمیت شرکتی

موجود در یک کشور با تعدادی عوامل داخلی از جمله ساختار مالکیت شرکت ها، وضعیت اقتصادی، سیستم قانونی، سیاست های دولتی و فرهنگ، معین می شود.

پس ساختار مالکیت و چارچوبهای قانونی از اصلی ترین و تعیین کننده ترین عوامل سیستم حاکمیت شرکتی هستند.

همچنین عوامل خارجی از قبیل میزان جریان سرمایه از خارج به داخل، وضعیت اقتصاد جهانی، عرضه سهام در بازار سایر کشورها و سرمایه گذاری نهادی فرا مرزی، بر سیستم حاکمیت شرکتی موجود در یک کشور تاثیر دارند.

حاکمیت شرکتی درون سازمانی

سیستمی است که در آن شرکت های فهرست بندی شده تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. این سهامداران ممکن است اعضای خانواده موسس (بنیانگذار) یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانک های اعتباردهنده ، شرکت های دیگر یا دولت باشند. به سیستم های درون سازمانی به دلیل روابط نزدیک رایج میان شرکت ها و سهامداران عمده آنها ، سیستم های **رابطه ای** نیز گفته می شود.

سیستم های تامین مالی و حاکمیت شرکتی برون سازمانی

این سیستم ها ، شرکت های بزرگ توسط مدیران کنترل می شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می شود.

➤ حاکمیت شرکتی در ایران به سیستم درون سازمانی نزدیکتر است

پاسخگويي هيئت مديره

- ✓ پاسخگويي به سهامداران
- ✓ پاسخگويي در قبال عمليات هيئت مديره
- ✓ پاسخگويي در قبال عملکرد و تصميمهاي استراتژيك



هیئت مدیره موثر

1. ایجاد جوي باز و پرتحرك براي هیئت مدیره
2. حداکثر کردن ارزش زمان هیئت مدیره از طریق تدوین نقشها و مسووليتهاي روشن در چارچوب ساختاري مناسب
3. تعیین اطلاعات مورد نیاز هیئت مدیره و اطمینان از دسترسي به موقع هیئت مدیره به آن
4. اختصاص زمان به مسایل استراتژيك
5. ایجاد فرایند پرداخت شفاف ، واضح و پاسخگو
6. حضور فعال در فرایند انتخاب مدیرعامل جدید
7. ارزیابي میزان هوش و مهارت مدیران اجرایی شرکت
8. نظارت بر سامانه مدیریت ريسك بنگاه

اهمیت پاسخگویی

هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به 4 مورد پاسخگویی ، شفافیت ، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان در شرکت ها است. **پاسخگویی** ، پایه و اساس هدف های حاکمیت شرکتی است. با پاسخگویی مناسب شرکت ها ، سه هدف دیگر (شفافیت ، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان) حاصل می شود. به همین دلیل تعداد زیادی از صاحب نظران ، پاسخگویی را جوهره حاکمیت شرکتی مناسب می دانند.

با توجه باینکه سیستم حاکمیت شرکتی در ایران به سیستم درون سازمانی نزدیکتر بوده ، به نظر می رسد به دلیل تحقق نیافتن تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت و تاثیر سایر عوامل محیطی ، پاسخگویی در سطح پایینی در نزد برخی مدیران واحد های اقتصادی قرار گرفته است و از اهمیت لازم برخوردار نیست.

تاریخچه حاکمیت شرکتی در برخی کشورها

ایالات متحده

در قرن 19 ایالات متحده ، قوانین ایالتی تدوین شده برای شرکت‌ها بمنظور افزایش حقوق آن‌ها در تابلوهای بورس به اتفاق آرا توسط سهامداران بخش دولتی در قبال مزایای قانونی مانند حقوق ارزیابی و کارآمدترکردن حاکمیت شرکتی به تصویب رسید. و این قانون توسط دولت در قانون اداره شرکتها گنجانیده شد و علت اصلی آن به خاطر ثروت زیاد ایالات متحده در اقتصاد بوده است. در قرن بیستم و بلافاصله بعد از سقوط وال استریت در سال 1929 کارشناسان حقوقی مانند آدولف آگوستوس ، ادین داد و Gardiner C اقدام به تبیین نقش شرکت‌های مدرن در جامعه در حال تغییر را نمودند. گسترش اقتصاد ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم از طریق ظهور شرکت‌های چند ملیتی ، ایجاد طبقات مدیریتی خود زمینه ای برای تبیین سایر قوانین و مقررات در این حوزه بوده است . در اوایل سال 2000 ورشستگی (و تخلفات کیفری) عظیم شرکت‌های انرون و وردکام و همچنین در مواردی دیگر از رسوایی دیگر شرکت‌های بزرگ ، مانند Adelphia ، AOL ، آرتور اندرسن ، TYCO منجر به افزایش علاقه بیشتر در توجه به سیاست‌های اداره امور شرکت گردید که این امر منجر به تصویب قانون Sarbanes-اکسلی از سال 2002 شده است.



شرق آسیا

در سال 1997، بحران مالی شرق آسیا به شدت اقتصاد این منطقه تحت تأثیر کشورهای تایلند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی و فیلیپین شده که از طریق خروج سرمایه‌های خارجی بخش عمده‌ای از دارایی این کشورها سقوط کرد. فقدان مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در این کشورها از جمله یکی از مهمترین نقاط ضعف این مؤسسات در اقتصاد آن کشورها بوده است.



مدل‌های حاکمیت شرکتی در سراسر جهان

مدل‌های حاکمیت شرکتی با توجه به تنوع سرمایه‌داری که در آن وجود دارد متفاوت است



قاره اروپا

برخی از کشورهای قاره اروپا، از جمله آلمان و هلند، نیاز به هیأت مدیره در دو لایه می‌باشند و در دو سطح مختلف مدیران تحت عنوان هیأت‌های اجرایی سازمان و هیأت‌های نظارتی به عنوان ابزاری برای بهبود حاکمیت شرکتی تعبیه و مورد توجه قرار داده‌اند.



نهاد SEBI کشور هندوستان عنوان کمیته حاکمیت شرکتی را به عنوان پذیرش مدیریت حقوق مسلم سهامداران به عنوان صاحبان واقعی شرکت و نقش خود را به عنوان هیأت امنا از طرف سهامداران تعریف می کند و هدف آن تعهد به ارزش های سازمانی است که این ارزش های اخلاقی درباره اخلاقی در فرآیند کسب و کار و ایجاد تمایز بین منابع شخصی مدیریت ها و شرکت ها در یک سطح سازمان است و مطرح می شود که رویکرد حاکمیت شرکتی در هند در واقع از اصل امانتداری و اصول دستورالعمل قانون اساسی هند که توسط گاندی تبیین شده بود تحصیل شده است.



ایالات متحده ، انگلستان

در مدل حاکمیت شرکتی انگلیس و امریکا حاکمیت شرکتی بر **منافع سهامداران** توجه دارد که در آن‌ها یک صفحه تک لایه از مدیران وجود دارند که بطور معمول توسط مدیران غیراجرایی منتخب سهامداران انتخاب می‌شوند و از آنجا که آن‌ها به عنوان یک گروه واحد شناخته شده است. در این سیستم‌ها ، گروه‌های بسیاری شامل برخی از مدیران اجرایی شرکت (که به استثنای مقام و عضو هیأت مدیره) و سایر مدیران غیراجرایی حضور دارند و انتظار می‌رود که تعدادی دیگر نیز از مدیران بمنظور تفوق یافتن مدیران اجرایی در پست‌ها کلیدی از جمله کمیته‌ها حسابرسی و کمیته جبران خسارت از مدیران اجرایی در سازمان‌ها وجود داشته باشند.

احزاب و حاکمیت شرکتی

احزاب با نفوذ به عنوان نهادهای درگیر در حاکمیت شرکتی عبارتند از سازمان‌های دولتی و مقامات ، مبادلات سهام ، مدیریت (از جمله هیأت مدیره ، مدیر ارشد اجرایی و یا معادل آن ، مدیران و مدیریت سطح بالا ، سهامداران و حساب‌رسان) و سایر ذینفعان با نفوذ که ممکن است شامل وام‌دهندگان ، عرضه‌کنندگان ، کارمندان ، بستانکاران ، مشتریان و جامعه بزرگ باشند.

در حاکمیت شرکتی همه احزاب و نهادها دارای منافع اعم از مستقیم یا غیرمستقیم در قبال شرکت می‌باشند که مربوط به عملکرد مالی شرکت است.

هنگامی که دسته‌ای از احزاب (سهامداران) اعتماد به نفس کافی از اینکه یک شرکت به شیوه‌ای سازگار با نتایج مورد نظر خود کنترل و مدیریت نداشته باشند آن‌ها با احتمال کمتری با شرکت تعامل می‌کنند و در مواردی که این سیستم‌ها دارای ویژگی‌های بومی می‌باشند از دست دادن اعتماد به نفس و مشارکت در بازارهای آن‌ها ممکن است سهامداران بسیار دیگری را نیز تحت تأثیر قرار دهد و باعث افزایش احتمال اقدامات سیاسی بر علیه مدیریت گردند.

کنترل و ساختارهای مالکیت

ساختار کنترل و مالکیت اشاره به نوع و ترکیب سهامداران در یک شرکت دارد. در برخی از کشورهای قاره اروپا مالکیت نه لزوماً معادل کنترل بلکه به دلیل وجود سهام در سطح 20 درصد به عنوان اهرم مالکیت، امکان ائتلاف در رأی‌گیری، صدور رأی مخالف و یا وجود یک بند در اساسنامه شرکت‌ها مبنی بر حق رأی اضافی برای مدت طولانی برای سهامدار مذکور با سایر کشورها متفاوت است. چرا که این مالکیت است که بطور معمول به عنوان مالکیت بخشی از حقوق جریان نقدی شرکت تعریف شده است در حالی که کنترل اشاره به مالکیت از نوع کنترل و یا حق رأی دارد. کشورهای ژاپن و کره جنوبی که شرکت‌ها خانوادگی هستند و آن‌ها تمایل به کنترل خانواده دارند.

کنترل خانوادگی

منافع خانواده تسلط ساختارهای مالکیت و کنترل بعضی از آن‌ها بر شرکت‌های بزرگ کنترل و نظارت خانواده‌ها بر شرکت‌ها عملاً در دنیای واقعی باعث شده که خانواده‌ها نسبت به شرکت‌ها کنترل لازم را داشته باشند چرا که آن‌ها به عنوان نهادهای سرمایه‌گذاری مطرح می‌باشند.



انتشار سهامداران اصلی شرکت

اهمیت توجه به نهادهای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران به میزان قابل توجهی در سراسر کشورهای مختلف متفاوت است. نهادهای سرمایه‌گذاران در کشورهای انگلیس و آمریکا (استرالیا، کانادا، نیوزیلند، انگلستان، ایالات متحده) تسلط بازار سهام در شرکت‌های بزرگ‌تر می‌باشد. در حالی که اکثریت سهام در بازار ژاپن توسط شرکت‌های مالی و شرکت‌های صنعتی تأمین می‌شود، در این گروه کشورهای برای سرمایه‌گذاران نهادی ندارند که منابع خود را تا حد زیادی با گروه‌های دیگر تجمیع تا بر بازار تسلط داشته باشند.

به عنوان مثال برای نظارت بر رفتار مدیران، شخص ثالث مستقل (حسابرسان خارجی) گواه دقت و صحت اطلاعات را از طریق مدیریت شرکت در قبال گزارشات حسابرسی خود به سرمایه‌گذاران ارائه می‌نمایند. بدین ترتیب در سیستم‌های کنترل دقیق و ایده‌آل باید هر دو عامل انگیزه و توانایی در سازمان و فرآیندهای اجرایی را در بر داشته باشد.



مکانیزم‌های کنترل

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کنترل‌های مربوطه به منظور کاهش ناکارآمدی‌های سازمان طراحی شده‌اند چرا که این مشکلات از مخاطرات اخلاقی ناشی از انتخاب نامطلوب مدیریت‌ها و افراد بروز پیدا می‌کند. به عنوان مثال برای نظارت بر رفتار مدیران ، شخص ثالث مستقل (حسابرسان خارجی) گواه دقت و صحت اطلاعات را از طریق مدیریت شرکت در قبال گزارشات حسابرسی خود به سرمایه‌گذاران ارائه می‌نمایند. بدین ترتیب در سیستم‌های کنترل دقیق و ایده‌آل باید هر دو عامل انگیزه و توانایی در سازمان و فرآیندهای اجرایی را در بر داشته باشد.



کنترل‌های داخلی حاکمیت شرکتی

کنترل داخلی اداره امور شرکت نظارت بر فعالیت‌ها و سپس اقدام اصلاحی برای دستیابی به اهداف سازمانی است. این موارد عبارتند از:

نظارت از طریق هیأت مدیره :

هیأت مدیره با اختیارات قانونی خود اقدام به استخدام ، اخراج و جبران خدمت مدیران ارشد ، گروه‌های سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه می‌نمایند و آن‌ها با برگزاری جلسات هیأت مدیره بطور منظم به همه گروه‌ها اجازه می‌دهند مشکلات بالقوه را شناسایی و آن را مورد بحث قرار دهند و از تبعات غیرمطلوب اجتناب ورزند. بر همین اساس تصور می‌شود در حالی که مدیران غیراجرایی مستقل‌تر از مدیران اجرایی می‌باشند ، آن‌ها همیشه در اداره مؤثرترند و در شرکت‌های بزرگ ممکن است موفق نباشند و قادر به افزایش بهینه عملکرد سازمان نباشند. ساختار هیأت مدیره شرکت در صورت ترکیب بودن از تخصص‌های مختلف می‌تواند وضعیت بهینه‌ای برای شرکت‌ها را دربر داشته باشد. علاوه بر این توانایی هیأت مدیره در نظارت بر مدیران شرکت تابعی از دسترسی خود آن‌ها به اطلاعات صحیح و مناسب است. مدیران اجرایی دارای دانش برتر نسبت به فرآیند تصمیم‌گیری موفق عمل می‌کنند و در نتیجه ارزیابی مدیریت ارشد براساس کیفیت تصمیم‌گیری آن‌ها منجر به نتایج عملکرد مالی مناسبی گردد. بر همین اساس می‌توان استدلال کرد که مدیران اجرایی فراتر از معیارهای مالی عمل خواهند کرد.



روش‌های کنترل داخلی و حسابرسی داخلی:

روش‌های کنترل داخلی سیاست‌های اجرا شده توسط نهاد هیأت مدیره و مدیران ستادی، کمیته حسابرسی، مدیریت اجرایی و سایر پرسنل به منظور ارائه اطمینان معقول به سازمان در دستیابی به اهداف تدوین شده به استناد گزارش‌های قابل اعتماد مالی، دارا بودن بهره‌وری و رعایت قوانین و مقررات. حسابرسی داخلی پرسنل سازمان که طراحی و پیاده‌سازی آن در سازمان و کنترل و تست روش‌های کنترل‌های داخلی و قابلیت اعتماد گزارش‌های صورت می‌پذیرد.

تعادل قدرت:

ساده‌ترین توازن قدرت که بسیار رایج است، مستلزم آن است که رئیس امور مالی یک فردی متفاوت از خزانه‌دار شرکت باشد. این ساختارهای سازمانی که از جدایی قدرت بیشتر در سطوح مختلف عملکردی شرکت‌ها پشتیبانی می‌کند عملاً کنترل و توازن قدرت اجرای عملیات و اثربخشی را در سازمان توسعه داده است. یک گروه ممکن است خواستار اجرای تغییرات اداری در سطح شرکت باشد و گروه یا فرد دیگری پس از بررسی موضوع می‌تواند پیشنهاد گروه اول را وتو نماید و گروه سوم عملاً منافع مردم (مشتریان، سهامداران و کارکنان) را مورد توجه قرار می‌دهد در مواردی نیز نمونه‌هایی می‌تواند وجود داشته باشد که خارج از سه گروه مذکور گروه‌های دیگری نیز در سازمان می‌توانند وجود داشته باشند.



پاداش:

پاداش مبتنی بر عملکرد مازاد بر حقوق و دستمزد افراد و به نسبت عملکرد خاص افراد در سازمان طراحی می شود که ممکن است در قالب پرداخت های نقدی و غیرنقدی مانند سهام و گزینه های دیگر به اشتراک گذاشته شود و گاهی مربوط به حساب بازنشستگی یا دیگر مزایای کارکنان می باشد. با این حال ، چنین طرح های تشویقی ، واکنشی به این معنا دربر دارد که آن ها در ارائه هیچ مکانیزمی برای جلوگیری از اشتباهات یا عدم بروز رفتارهای فرصت طلبانه را دنبال نمی کنند.

نظارت سهامداران بزرگ و یا نظارت بر بانک ها و سایر طلبکاران بزرگ:

با توجه به سرمایه گذاری های عمده انجام شده این گروه در این شرکت ها ، این گروه سهامداران مشتاق به داشتن درجه ای از کنترل و نظارت بر عملکرد هیأت مدیره و مدیریت شرکت می باشند.

مقایسه نهادهای نظارتی در شرکت های ایرانی با سایر کشورها

مقایسه رعایت مقررات ، الزامات و نهادهای نظارتی بر جریان فعالیتهای بنگاه های اقتصادی در اروپا و امریکا با وضعیت آن در ایران نیازمند مقایسه سیستم های حاکمیت شرکتی در این دو مورد است.

در بیشتر کشورهای اروپایی و در امریکا ، بازار سرمایه گسترده است و مالکیت شرکت ها در اختیار گروه کثیری از سرمایه گذاران انفرادی و سرمایه گذاران نهادی قرار دارد و مالکیت از مدیریت به طور محتوایی تفکیک شده و ذینفعان مستقیم و غیرمستقیم زیادی وجود دارند. بنابراین سیستم حاکمیت شرکتی در آن کشورها به سیستم های برون سازمانی نزدیکتر است. این موضوع موجب شده است که مکانیزمهای متعددی برای حاکمیت شرکتی مناسبتر در واحدهای اقتصادی ، مطرح و مستقر شود و شرکتها مقررات و الزامات بسیار زیادی را در انجام وظایف رعایت کنند و نهادهای مختلفی بر حسن جریان فعالیت های بنگاه های اقتصادی نظارت نمایند. در یک تقسیم بندی کلی این مکانیزم ها شامل دو دسته **مکانیزم های درون سازمانی و برون سازمانی** است.



مکانیزم های برون سازمانی (محیطی) عبارتند از:

نظارت حقوقی: برقراری نظام حقوقی مناسب.

کارایی بازار سرمایه: گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن.

نظارت سهامداران عمده: ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیتهایی از قبیل خرید سهام کنترلی.

نقش سرمایه گذاران نهادی: تشویق و گسترش سرمایه گذاری نهادی.

نظارت سهامداران اقلیت: احترام به حقوق سهامداران اقلیت و مجاز بودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت.

الزامی کردن گزارشگری مالی و حسابرسی مستقل: با توجه به نقش برجسته نظارتی آن.

فعالیت موسسات رتبه بندی: ایجاد تسهیلات برای فعالیت موسسات رتبه بندی.



مکانیزم های درون سازمانی (محاطی) عبارتند از:

هیئت مدیره: انتخاب و استقرار هیئت مدیره توانمند ، خوشنام و بی طرف.

مدیریت اجرایی: تقسیم مسئولیت ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم افزارهای مناسب.

مدیریت غیراجرایی: ایجاد کمیته های هیئت مدیره از مدیران مستقل و غیراجرایی (شامل کمیته حسابرسی ، حقوق و...)

کنترل های داخلی: طراحی ، تدوین و استقرار کنترل های داخلی مناسب (مالی ، حقوقی ، مدیریت ریسک ، حسابرسی داخلی و ...)

اخلاق سازمانی: تدوین و گسترش آیین رفتار حرفه ای و اخلاق سازمانی.

هر یک از مکانیزمهای درون سازمانی و برون سازمانی ، بر فرایندها و فعالیتهای شرکتها نظارت دارند و موجب ارتقای پاسخگویی و دستیابی به سایر هدفهای حاکمیت شرکتی می شوند.



بررسی شرکت ها و بازار سرمایه در ایران نشان می دهد که برخی از مکانیزم های برون سازمانی (محیطی) شامل موارد زیر تا حدودی برقرار است:

نظارت قانونی براساس مفاد قانون تجارت (بویژه مواد 144 تا 156)، در برخی از موارد سایر قوانین موضوعه، قوانین و مقررات بورس اوراق بهادار، قانون تشکیل سازمان حسابرسی و قانون و مقررات جامعه حسابداران رسمی ایران است. بازار سرمایه نوپاست و چندان کارا نیست. نظارت سهامداران عمده و ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیتهایی از قبیل خرید سهام کنترلی و نقش نظارتی سرمایه گذاران نهادی وجود دارد. نظارت سهامداران اقلیت بر شرکت مجاز نیست. حسابرسی شرکت های مشمول قانون تشکیل سازمان حسابرسی و حسابرسی مستقل شرکت های پذیرفته شده در بورس الزامی است و پس از تصویب قانون جامعه حسابداران رسمی ایران، شرکت های بیشتری مشمول حسابرسی مستقل شده اند.

درباره نظارت مرتبط با مکانیزم های درون سازمانی (محاطی) به نظر می رسد، صرف نظر از از مقوله هیئت مدیره و موارد مرتبط با مدیریت اجرایی شامل تقسیم مسئولیتها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم افزارهای مناسب، نقش نظارتی مدیریت غیراجرایی شامل ایجاد کمیته های هیئت مدیره از مدیران مستقل و غیراجرایی (شامل کمیته حسابرسی، حقوق و...)، کنترل های داخلی، شامل طراحی، تدوین و استقرار کنترل های داخلی مناسب (مالی، حقوقی، مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی و...) بسیار ناچیز و ضعیف است و به نقش نظارتی اخلاق سازمانی نیز توجه بایسته نمی شود.

تفکیک وظایف اعضای هیأت مدیره

یکی از محورهای تحولات اخیر در مبحث حاکمیت شرکتی، تاثیر قانون ساربینزاکسلی (به عنوان مکانیزم داخلی آن است. تفکیک دقیق وظایف مدیریت اجرایی از مدیریت غیراجرایی، برجسته‌تر شدن نقش نظارتی مدیریت غیراجرایی و تعیین حوزه‌های مسئولیت آنها و ضرورت داشتن دانش حسابداری و مالی به عنوان یکی از شرایط احراز پست در مورد حداقل یک نفر از مدیران غیراجرایی و آگاهی بقیه اعضا از مسائل حسابداری و مالی، برخی از تحولات اخیر است. افزون بر این، نقش کمیته‌های هیئت مدیره (شامل مدیران غیراجرایی) در مورد کنترل‌های داخلی، ارتباط با حسابرسان داخلی و مستقل و... بسیار برجسته شده و از وظایف مدیران اجرایی کاملاً تفکیک گشته است.

در ایران، قانون تجارت مصوب 13 اردیبهشت‌ماه 1311 اساس و چارچوب قانون تجارت موجود را تشکیل می‌دهد. نظر به قدمت منابع آن که دارای نواقص فراوانی بود، قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مشتمل بر 300 ماده پس از تصویب در تاریخ 24 اسفندماه 1347 جانشین مواد 21 تا 94 قانون تجارت مصوب 1311 شد. به نظر می‌رسد که اصلاحیه مذکور نیز تغییر با اهمیتی در چارچوب اولیه قانون تجارت ایجاد نکرده است. همچنین در قانون پیشین و اصلاحیه انجام شده به مقوله وظایف هیئت مدیره و تفکیک وظایف توجه چندانی نشده است. امید است در اصلاحیه قانون تجارت به این مهم توجه شده و مورد عنایت قرار گیرد و افزون بر آن آیین‌نامه حاکمیت شرکتی مورد نظر بورس اوراق بهادار پس از اصلاحات لازم، مورد استفاده شرکتهای پذیرفته شده در بورس قرار گرفته و پس از ارزیابی مجدد اجرای آن برای تمام شرکتهای سهامی الزامی شود.



مشکلات سیستماتیک حاکمیت شرکتی

تقاضا برای کسب اطلاعات: به منظور نفوذ بر مدیران شرکت ، سهامداران باید با دیگر گروه‌های ذینفع به شکل یک تشکیل ترکیبی یک گروه رأی‌گیری تشکیل دهند که این گروه قادر باشد یک تهدید واقعی جهت اجرای توافقات و انتصاب مدیران در مجمع عمومی شرکت مؤثر باشند.

نظارت بر هزینه‌ها: یک مانع بزرگ برای سهامداران در اجرای حاکمیت شرکتی در تحصیل و استفاده از اطلاعات خوب مربوط به هزینه پردازش این اطلاعات است و این موضوع خصوصاً در سود سهامداران جزء صادق می‌باشد از طرفی دیگر پاسخ سنتی به این مشکل طرح موضوع فرضیه بازار کارا (در امور مالی ، فرضیه بازار کارا ادعا می‌کند که با انتشار کوچکترین اطلاعات در این بازارها تغییرات تصمیم‌گیری ذینفعان صورت خواهد پذیرفت)، که این امر نشان می‌دهد که سهامداران کوچک آزاد سوار بر قضاوت سرمایه‌گذاران بزرگ و حرفه‌ای هستند.

تأمین اطلاعات حسابداری: حسابداری مالی به صورت یک لینک بسیار مهم در اختیار ارائه‌دهندگان خدمات مالی بمنظور نظارت بر عملکرد مدیران می‌باشد و بر همین اساس وجود عیوب در فرآیند گزارشگری مالی عملاً عیوب در اثربخشی حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود که این امر در صورت اجرای طرح پاداش جبران خدمت مدیران را با چالش مواجه خواهد کرد.



نقش حسابرسی داخلی در شرکت های ایرانی

حسابرسی داخلی نقش بسیار کم‌رنگی در شرکت های ایرانی داشته است. بررسی ها گویای آن است که حتی تعداد از شرکت های بورسی نیز از خدمات حسابرسان داخلی بهره نمی‌گیرند و آن تعداد از شرکته ای پذیرفته شده در بورس که دارای واحد حسابرسی داخلی هستند نیز به خدمات حسابرسان داخلی عنایت ناچیزی دارند و جایگاه سازمانی آنها موجب کاهش اثربخشی حسابرسان داخلی می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، در سالهای اخیر حسابرسی داخلی به عنوان یکی از مکانیزمهای درون سازمانی، نقش بسیار با اهمیتی در ساختار حاکمیت شرکتی در جهان پیدا کرده است.

در سطح جهانی، از اوایل هزاره گذشته، با تاسیس بنگاه های اقتصادی بزرگ و پیچیده‌تر شدن فعالیتها، امکان رسیدگی به تمام فعالیتها توسط مدیریت سلب شد و حسابرسی داخلی به عنوان حرفه‌ای برای یاری سازمانها برای انجام درست کارها، پا به عرصه وجود گذاشت. حسابرسی داخلی به سرعت در جهان مورد پذیرش و حمایت مدیران شرکت ها قرار گرفت و اهمیت یافت و از دهه 1950 تا آغاز هزاره جدید، در هر دهه نقشهای جدیدتری به عهده گرفت. به طور مختصر می‌توان گفت: در دهه 1950 نقش حسابرسی داخلی بررسی سوابق حسابداری و بررسی مجدد رویدادها یا سندرسی بود، در دهه 1960 تشخیص رعایت سیاست و رویه‌های شرکت نقش حسابرسی داخلی شد، در دهه 1970 این نقش به آزمون رویه‌ها تبدیل شد، در دهه 1980 ارزیابی کنترلهای داخلی نقش حسابرسی داخلی بود، در دهه 1990 نقش حسابرسی داخلی به گزارش درباره سیستم کنترل داخلی تغییر یافت.



نتیجه گیری

اهمیت و ضرورت توجه خاص به مقوله حاکمیت شرکتی در ایران:

الف) خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

در حال حاضر با توجه به ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اهتمام دولت محترم جمهوری اسلامی ایران، سازمان خصوصی سازی و سازمان بورس اوراق بهادار به اجرای آن از طریق واگذاری شرکت های دولتی و کاهش تصدی گری دولت، وضعیت کشور در حال گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی است. با عنایت به اینکه موفقیت در فرآیند خصوصی سازی مستلزم اعتماد سرمایه گذاران به بازار سرمایه است، بنابراین اتخاذ راهکارهای لازم به منظور تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکت های مشمول واگذاری امری گریزناپذیر است. در این راستا یکی از مهمترین و اثربخش ترین سازوکارها، استقرار نظام حاکمیت شرکتی مناسب و موثر است؛ و در گام نخست، تدوین مقررات حاکمیت شرکتی مناسب نقشی مهم و اساسی در موفقیت این فرآیند و در نهایت رشد اقتصادی کشور خواهد داشت و همانگونه که در مقاله نیز اشاره شده است، تجربیات سایر کشورهای در حال گذار موید اهمیت مقوله حاکمیت شرکتی در فرآیند خصوصی سازی است. بدیهی است، همانگونه که در مقاله نیز اشاره شده، به منظور حصول به نتایج مطلوب این مقررات باید متناسب با وضعیت حقوقی، اقتصادی، ساختار مالکیت در بیشتر موارد شرکت ها و سایر عوامل پیش گفته تدوین شود همچنین پیشنهاد می شود به منظور ارتقای اعتماد سرمایه گذاران، علاوه بر تدوین و استقرار مقررات حاکمیت شرکتی، واگذاری شرکت های مشمول واگذاری پس از شفافیت کامل آنها صورت گیرد.



ب) اصلاح قانون تجارت:

با توجه به اینکه ارکان اصلی اصول حاکمیت شرکتی مانند ساختار، ترکیب و وظایف هیات مدیره، سازوکارهای استقلال و نظارت بر هیات مدیره، حق رأی سهامداران، سازوکارهای حمایت از حقوق سهامداران اقلیت و ... در قانون تجارت تعریف می شود، در نظر گرفتن اصول حاکمیت شرکتی در اصلاح قانون تجارت گامی مهم و اساسی در استقرار نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت ها و در نتیجه حمایت از حقوق سرمایه گذاران خواهد بود بدیهی است در صورتی که اصول کلی حاکمیت شرکتی متناسب با وضعیت و ساختار حقوقی، قانونی، سیاسی و اقتصادی کشورمان در قانون تجارت لحاظ شود و ضمانت اجرای مناسب برای آن در نظر گرفته شود، قابلیت اجرای خوبی خواهد داشت. در این رابطه می توان از تجربیات کشورهایی که نزدیکی بیشتری با وضعیت کشور ما دارند استفاده کرد.

به عنوان مثال، با توجه به اینکه طبق قانون تجارت، حتی برای تشکیل شرکت های سهامی عام نیز نیازی به عرضه سهام به عموم نیست و با عنایت به اقتصاد دولتی فعلی، ساختار مالکیت در کشور ما متمرکز است و بنابراین باید با در نظر گرفتن سازوکارهای لازم، از منافع سهامداران اقلیت در مقابل سهامداران عمده و مدیران شرکت حمایت کرد. در این رابطه موضوع دیگری که در مقاله نیز به آن اشاره شده است، اجرای مناسب قوانین و مقررات حاکمیت شرکتی است و لزوماً داشتن مقررات خوب به معنای اجرای خوب و حصول به نتیجه مطلوب نیست. یکی از نکاتی که در تدوین مفاد و مقررات مربوطه در قانون تجارت ضروری به نظر می رسد، در نظر گرفتن ضمانت اجرای کافی برای مقررات است که در حال حاضر به رغم اینکه برخی مواد مربوط به حمایت از حقوق سهامداران اقلیت به خوبی در قانون تجارت ذکر شده است، اما از ضمانت اجرای لازم برخوردار نبوده و امکان پیگیری آن نیز به سختی فراهم است؛ بنابراین پیشنهاد می شود به منظور حصول به نتیجه مطلوب در اصلاح قانون توجه کافی به آن مبذول شود.



ج) تدوین مقررات حاکمیت شرکتی در بورس اوراق بهادار:

با عنایت به اینکه در حال حاضر مقررات مربوط به حاکمیت شرکتی در بورس اوراق بهادار در حال تدوین است ، توجه به تجربه سایر کشورها و مهمتر از آن لحاظ کردن ویژگی‌های خاص کشور ما امری اجتناب‌ناپذیر است. زیرا همانگونه که در مقاله نیز ذکر شده است مقررات نامناسب حاکمیت شرکتی نه تنها سبب پیشرفت شرکت‌ها نخواهد شد بلکه به آنها آسیب می‌رساند.



منابع

حاکمیت شرکتی در ایران

دکتر حساس یگانه

حاکمیت شرکتی از تئوری تا عمل

لقمان پاکروان

بحران آسیا

دکتر محمد سلیم مجاز

ظام راهبری شرکتی

دکتر بیتا مشایخ

حاکمیت شرکتی در ایران و جهان

دکتر سید محمد جواد

با تشکر از توجه استاد گرامی و دوستان عزیز



همیشه شاد و پر انرژی باشید